

# کیمیای سعادت

(جلد پنجم)

در ادب معاملات

امام محمد غزالی

گردآورنده: محمد حسین ذوالقدر

- سرشناس : غزالی، محمد بن محمد، ۴۵۰ - ۵۰۵ ق.
- Mohammad ibn Mohammad Ghazzali
- عنوان و نام پدیدآور : کی‌یای سعادت / امام محمد غزالی
- مشخصات نشر : تهران : نشر ذوالقدر، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری : ج ۷
- شابک : ۹۹۸۳۲-۷-۰۰۰۹۹۸۳۲-۴-۷ دوره؛ ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۳۲-۴-۷ : ج ۵
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
- مندرجات : ۲۱۰ صفحه : ج ۵ - در آستانه معاملات.
- موضوع : اخلاق اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴
- موضوع : Islamic ethics -- Early works to 20th century
- موضوع : تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
- موضوع : Sufism -- Early works to 20th century
- موضوع : نثر فارسی -- قرن ۵ق.
- موضوع : Persian prose literature -- 11th century
- رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۷ ۵۹۴/۳۵/ع BP۲۴۷
- رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۶۱
- شماره‌ی کتابشناسی ملی : ۵۲۳۶۱۳۷



نشر ذوالقدر

zolghadr\_mh@yahoo.com

### کیمیای سعادت

بلد پانجم: در آداب معاملات

با محمد غزالی

گردآورنده: محمد بن ذوالقدر

اپ او ۱۳۹۷

ناظر چاپ: سید علی

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۳-۹۹۸۳۲-۶۰۰-۷۸

شابک دوره: ۸-۷-۹۹۸۳۲-۶۰۰-۹۷۸

تهران، نرسیده به میدان ونک، بالاتر از ساختمان خورشید،

پلاک ۲۵۴۶، طبقه سوم، واحد ۹

© حق چاپ: ۱۳۹۷، انتشارات ذوالقدر

## مقدمه

حج‌تالاسلام ابوحامد محمد بن محمد غزالی طوسی در سال ۴۵۰ هجری در طابراز حوس به دنیا آمد. پدرش محمد بن محمد مردی متعبد بود و پیشه بافندگی داشت. نسب غزالی از همین پیشه پدر اوست. محمد دو پسر داشت: یکی محمد دیگری احمد. این دو پس از فوت پدر تحت سرپرستی ابوحامد احمد بن محمد رادکانی قرار گرفتند. محمد غزالی از رادکان مقدمات علوم دینی و ادبی را در کودکی فرا گرفت و پس از چند تحصیل در طوس و جرجان به نیشابور رفت و در خدمت امام الحرمین ابوالمعالی جریسی، فقیه و متکلم بزرگ شافعی به تحصیل پرداخت و فنون جدل و خلاف و کلام و مقدمانی از فلسفه آموخت و هنوز بیش از بیست و هشت سال از عمر او نگذشته بود که در علوم رفیع متدول زبان یعنی در ادب و فقه و اصول و حدیث و درایت و کلام و جدل و خلاف و مسائل علوم ادبی و شرعی استاد مسلم شد و با این حال تا سال فوت ابوالمعالی جوینی خدمت او را ترک نگفت و بعد از آن در نزدیکی نیشابور به خدمت خواجه نظام الملک طوسی که آواز خصال وی را شنیده بود، پیوست. نظام الملک مقدم او را گرامی داشت و در محضر خود مناظراتی میان او و فقها ترتیب داد و بر میزان فضیلتش آگاه شد و هشت سال بعد منصب تدریس در نظامیه بغداد به او محول شد، درحالی که تازه به سن سی و پنج سالگی رسیده بود.

غزالی از سال ۴۸۴ چهار سال در بغداد به تدریس و تذکر و وعظ و تالیف و تصنیف اشتغال داشت و در همین مدت سرگرم مطالعه در کتب فلاسفه، اخبار، ابوعلی سینا نیز بود. در سال ۴۸۴ یعنی در ۳۹ سالگی، تحول در روح او پدید آمد، چنان که دست از مقامات دنیوی برداشت، برادر خود احمد غزالی را در تدریس نظامیه جانشین خود قرار داد و در ظاهر به قصد سفر حج و در باطن به اندیشه سیر و سلوک و مجاهدت و ریاضت، از بغداد بیرون رفت و از سال ۴۸۸ تا ده سال بعد در شهرهای شام و جزیره و بیت المقدس و حجاز بسر برد و در تمام این مدت پیوسته به زهد و ریاضت و تالیف و تصنیف اشتغال

داشت تا در سال ۴۹۸ به طوس بازگشت و یک سال بعد به درخواست سلطان سنجر و الزام وزیرش فخرالملک بن نظامالملک از طوس به نیشابور رفت و در نظامیه آن شهر به تدریس پرداخت و تا سال ۵۰۰ در این سمت باقی بود.

در این سال غزالی به طوس بازگشت و در خانقاه و مدرسه‌ای که نزدیک خانه خود داشت به ارشاد و تعلیم شاگردان اشتغال ورزید و دیگر دعوت‌های پیگیر سلاطین و رجال را برای تدریس در مدارس نظامیه نیشابور تا بغداد نپذیرفت و به درگاه سلاطین رفت و از هیچ کس مالی نپذیرفت و همچنان در زهد و قناعت زیست تا در سال ۵۰۵ در طوس درگذشت و در طابران به خاک سپرده شد.

عجیب آن که غزالی که روزگاری در صدد تکفیر علما برمی‌آمد و به شدت بر آنان می‌تاخ، خود نیز از بازگشت از سفر ده ساله و بیان نظرهای جدید که چاشنی عرفان داشت، دچار اعمال سخت متمصبان خراسان شد و او را ملحد و زندیق خواندند و از راه‌های گوناگون در صدد اذیاء او برآمدند.

آثار زیادی از کلام، تفسیر و تصوف به عربی دارد و آثار مهم او به پارسی عبارتند از: مکاتیب پارسی، کیمیای سعادت، نصیحة الملوک. غزالی صرف‌نظر از وجوه مختلف اهمیتی که در ادبیات فارسی دارد، در اثر نیز صاحب مقام و مرتبه والایی است. او نثری شیوا، پخته، ساده، گیرا و پر مغز را به پارسی کلام او به قدری است که حتی استدلالات عقلی را نیز در نهایت آسانی بیان می‌کند، با این همه رعایت ایجاز از مختصات کلام اوست.

مهمترین اثر غزالی کیمیای سعادت که خلاصه‌ای از احیاء العلوم است و غزالی آن را پس از سفر ده ساله‌اش میان سال‌های ۴۹۰-۵۰۰ هجری نوشت. غزالی این کتاب را در چهار عنوان نگاشت و بر چهار رکن نهاد. چهار عنوان شناختن نفس خویش، شناختن حق تعالی، شناختن دنیا، شناختن آخرت و چهار رکن زینت، معاملات، بریدن عقبات راه دین و منجیات است.

غزالی می‌خواهد به وسیله کیمیای سعادت، انسان‌ها را از صفات ناقص پاک کند و به صفات کمال بیاراید تا او از همه چیز گسسته شود و خود را به تمامی به خدای بسپارد و در او محور گردد و نهایتاً به همان سعادت که غایت صوفیان است برسد. اگرچه این کتاب ظاهراً کتابی اخلاقی و مبتنی بر دین است، غزالی در آن در حقیقت نظر خانقاهیان را دنبال کرده و اندیشه خود را، آن گونه که پس از تحوّل روحی دریافته بود، به کار برده

است.

از دیگر آثار غزالی، نصیحة الملوک است که مؤلف آن را به سال ۵۰۳ برای سلطان سنجر که از او به ملک مشرق تعبیر می‌کند، نوشت؛ بنابراین تألیف کتاب در اواخر حیات او صورت گرفته و شامل اندیشه‌های وی در پایان زندگی است. موضوع کتاب حکمت علمی و بر مبنای دین است و این روشی است که روش حکمای مشاء را که معمولاً در کتب حکمت به کار می‌برند، ندارد. غزالی این کتاب را در هدایت و راهنمایی پادشاه و درباریان نوشته، نخست از اصول اعتقاد و ایمان سخن گفته و آنگاه ابوابی را در سیرت شاهان و وزیران و دبیران و در حکمت دانایان آورده است.

نصیحة الملوک به فارسی و هم به عربی ترجمه شده است. همچنین ترجمه ترکی آن نیز مکرراً صورت گرفته است.

**فضائل الانام** می‌رساند که در حجة الاسلام مجموعه مکاتبات فارسی غزالی است که پس از مرگ وی توسط یکی از نزدیکانش گردآوری شده است. در این کتاب نامه‌هایی از معاصران غزالی که غزالی بر آنها جواب سرشته نیز وارد شده است و به هر حال مجموعه ذی‌قیمتی است که نه تنها بسیاری از نکات زندگی آن مرد بزرگ را روشن می‌کند، بلکه نمونه‌های بسیار خوبی از رسائل اخوانی و دیوانی فارسی را در نیمه دوم قرن پنجم نگاه داشته و حفظ کرده است. نامه‌های غزالی در این مجموعه بعضی در دفاع از عقاید وی و تقریر مقالات خاص او نگاشته شده و بعضی دیگر خطاب به پادشاهان عصر و وزراء و امرا و علمای آن روزگار است.

غزالی در این نامه‌ها بیش از سایر منشآت خود از تمثیل به آیات و احادیث بهره برده است. کتاب فضائل الانام پنج باب و شامل باب‌های زیر است:

باب اول نامه‌هایی هستند که به ملوک و سلاطین نوشته شده‌اند. باب دوم نامه‌هایی که برای وزیران فرستاده شده‌اند، باب سوم نامه‌ای که به فقهای ائمه دین نوشته است و باب پنجم در فصول و مواعظ اوست. مؤلف در ابتدای باب‌ها و نادان یا بعد از آن‌ها توضیحاتی را افزوده است که از حیث اطلاع بر احوال غزالی اهمیت وافر دارد و خود نمونه خوبی از نثر اوایل قرن ششم است.